



## باید از فلسفه اسلامی بهره ببریم

ما هنوز خیلی بسته ادراکات حقیقی هستیم شاید در ظاهر بگوییم که این درست است و از چیزهای دیگر که اعتباریات است باید گذشت. اما ما باید یک راهی پیدا کنیم میان فلسفه اسلامی و زمان که کوشش علامه طباطبایی در این طریق بود. این ادراکات اعتباری سابقه ای طولانی دارد یعنی از عصر یونانیان مسئله ادراکات اعتباری مطرح بوده است. در دوره جدید چیزی به این عنوان مطرح نشده است اما اعتباری بودن ادراک تمام مسئله است. یعنی از قرن 17 به این سمت ادراکات حقیقی به معنای فلسفه اسلامی به نظر می رسد مورد قبول هیچ فیلسوفی نیست که بگوید علم، علم به اعیان اشیاء است و ما توان این را داریم که اعیان اشیاء پی ببریم. ارسطو در «اخلاق نیکوماخوس» ادراکات اعتباری را در بحث «فئوزیسس» مطرح کرد که فلاسفه ما این را به «فضیلت عقلی» تعبیر کردند.

این اسم گذاری خود مشکل ساز شد و وقتی این مشکل تشدید شد که فارابی فضیلت عقلی را بعد از فضایل نظری قرار داد و ریشه فضایل عقلی را در فضایل نظری دانست یعنی علم عملی به علم نظری برمی گردد. شاید در ارسطو این مطلب باشد اما به صراحتی که فارابی مطرح کرد، نیست. شما را به مسئله «حسن و قبح» در تاریخ تفکر اسلامی توجه می دهم. فلاسفه ما خیلی در این وادی وارد نشدند اما اگر حسن و قبح ذاتی را قبول نکردند مایل بودند که حسن و قبح را عقلی بدانند. اگر حسن و قبح ذاتی باشد ادراکات اعتباری دیگر معنا ندارد. عقلی بودن حسن و قبح جای بحث دارد و این عقل عملی است که درباره «حسن و قبح» حکم می کند اما این بحث متأسفانه از طرف فلاسفه ما پرداخت نشد به خصوص در رد اشعریت، قضیه منتفی شد. ممکن است که ما درباره اشعری و اشعریت خیلی حرف داشته باشیم اما قضیه ای که اشعری مطرح کرد، نباید فراموش شود بلکه باید آن را بحث و حل کرد. اما ما مسئله را تمام شده و حل شده گرفتیم و گفتیم اشعری باطل است و درباره باطل بحث نمی کنیم. اشعری به اخلاق اعتباری معتقد بود البته او اعتبار الهی را منظور داشت اما مرحوم علامه طباطبایی، عالم علم اصول هم مایل بوده است که به ادراکات حقیقی اصالت دهد و مرحوم کمپانی به ادراکات اعتباری اهمیت داده است. از سوی دیگر ما با دیدگاه شهید مطهری درباره ادراکات اعتباری

روبروئیم. شهید مطهری وقتی شرح روش رئالیسم را می نوشتند با برخی آراء علامه موافق نبودند اما احترام استاد در نظر ایشان به حدی بود که چندان مایل نبودند این ردّ و مخالفت را علنی کنند اما بعد از اینکه این مسئله را به تأخیر انداختند، نشرشان را به صراحت بیان کردند. من در آن سالها به ادراکات اعتباری با نگرش دیگری می نگریستم و نمی پرسیدم که مثلا آیا ادراکات حسن و قبح عقلی است یا خیر؟ بلکه فکر می کردم این فتح بایی است. حال اینکه ما ادراکات را حقیقی می دانیم و حسن و قبح را فراموش کرده ایم. فیلسوف دانای فقه و اصول (علامه طباطبایی) می گوید ادراکات اعتباری و حقیقی را نباید با هم خلط کرد و حوزه فقه و اصول حوزه ادراکات اعتباری هست و حوزه فلسفه ادراکات حقیقی است. در سال 54 من این پرسش را طرح کردم که آیا همه ادراکات ما اعتباری هستند؟ آیا علم جدید، علم اعتباری نیست؟ وقتی می گوید «ایژکتیو» است. ایژه امر اعتبار شده است و علم جدید با فرض و فرضیه شروع می شود. علم جدید وقتی پژوهش می کند به این اثبات نمی رسد که این علم مطابق خارج است بلکه می گوید با زندگی مطابقت دارد. در آن زمان که من به این مسئله می پرداختم این مطالب جدید بود و تنها شهید مطهری به این موضوع پرداخته بود و من هنوز این دغدغه را دنبال می کنم و می گویشم در این وادی دستم را به جایی بند کنم. من محصل فلسفه هستم و اگر می خواهم اهل فلسفه باشیم باید فلسفه جدید و غرب را بخوانیم و برای اینکه فلسفه غرب را به جایی برسانیم باید در تاریخ خود بین فلسفه اسلامی و فلسفه غرب پیوند بزنیم و از فلسفه اسلامی برای درک زمان و مکان خود در تاریخ بهره ببریم.